



راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین الملل (بر پایه سند چشم انداز)

جهانبخش ایزدی^۱

فرزاد خلفی^۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۲/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۵

چکیده

این مقاله از یک سو در مقام معنایابی و برگشایی مفاهیمی است که در عرصه سیاست خارجی در سند چشم انداز بیست ساله، تصریح شده است و از سوی دیگر در پی ارائه راهبردی بهینه‌ای است که در روابط بین‌المللی و محیط پیرامونی ایران بتواند اهداف سند را در این میدان ناهموار و پر از سنگلاخ محقق سازد، به همین دلیل با نگاهی که عمدتاً بر منافع ملی متمرکز بوده است استراتژی‌هایی نظیر: توسعه محوری و اقناع‌سازی، یافتن متحدین راهبردی، توجه به هنجارهای رایج بین‌المللی، کاربرد ادبیات دیپلماسی، اجتناب از رویکردهای تقابلی، تعمیق و توسعه همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی، اصلاح نگرشهای بین‌المللی، تقویت چندجانبه‌گرایی و نظائر آن، جهت تعقیب مضامین و مزایای سند چشم انداز تأکید ورزیده است. هر چند بر این باور است که جایگاه ممتاز این سند بالادستی بویژه در عرصه سیاست خارجی بسیار فراتر از مقاله فراروی است.

واژگان کلیدی

تعامل سازنده، تعامل مؤثر، روابط بین‌الملل، سند چشم انداز، همگرایی.

۱- دکترای روابط بین الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (jah.izadi@iauctb.ac.ir)

۲- کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (ffarzad3@gmail.com)

مقدمه

با توجه به شکل گیری نگرش های متفاوت و گاه نا همگون در زمینه جهت گیری های کلان کشور به طور عام و سیاست خارجی به طور خاص، که نتیجه آن عدم شکل گیری اجماع فکری و فلسفی میان اندیشه های گوناگون و وجود حلقه های مفقوده در مسیر توسعه کشور است، سند چشم انداز به عنوان نماد وفاق ملی اندیشه های مختلف در درون نظام جمهوری اسلامی ایران و با هدف نزدیک کردن و ادغام این اندیشه ها و ضرورت وجود افق بلند مدت در توسعه کشور ترسیم شده است. این سند برای نخستین بار جهت گیری کلان کشور را مشخص نموده تا تصویری از جایگاه ایران در سال ۱۴۰۴ را ارائه نماید.

بر اساس همین نگاه بلند مدت، جمهوری اسلامی ایران در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۸۲ شاهد ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله توسعه کشور توسط رهبری است. بر اساس این سند، ایران در افق سال ۱۴۰۴ به کشوری توسعه یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری و با حفظ هویت اسلامی و انقلابی در منطقه آسیای جنوب غربی (آسیای مرکزی و قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، الهام بخش در جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل تبدیل خواهد شد.

تحقق اهداف کانونی سند چشم انداز نیازمند طراحی و اجرای سیاست های متناسب در حوزه های داخلی و خارجی است. حوزه خارجی به عنوان حلقه وصل یک کشور به عرصه بین المللی از اهمیت بسیار بالایی جهت نیل به این اهداف برخوردار است. نقش این حوزه هنگامی روشن تر می شود که باید توجه داشت توسعه یافتگی ایران در سند چشم انداز، توسعه ای برون زا و در گرو تعامل سازنده و مؤثر با نظام بین المللی است.

به دلیل ماهیت کلان محورهای سند چشم انداز از یک سو و امکان ارائه تفسیرهای متفاوت، از سوی دولتمردان، گروهها و جریانات سیاسی، و وجود تفسیر و تأویل متفاوت از این مفاهیم، دست یابی به اجماع فکری و ارائه نظریه ای کانونی به منظور فهم و درک مشترک از این محورها و مؤلفه ها مشکل زا بوده و محل مناقشه و بروز موانعی در مسیر تحقق اهداف سند است. به عنوان نمونه برداشت های متفاوت از اهداف و مؤلفه های سند چشم انداز از سوی مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه و مجمع تشخیص مصلحت نظام موجب شده تا نگاه مشترک و یکسانی از این مفاهیم و اهداف شکل نگیرد. بی تردید چنین

برداشت‌هایی، روند تحقق اهداف چشم‌انداز را با مشکل جدی مواجه می‌کند. مثلاً "دولت کنونی بر این باور است که در مسیر سند حرکت می‌کند و در برخی موارد اهداف سند را محقق نموده است؛ اما مجمع تشخیص مصلحت که نقش اصلی را در تهیه سند داشته و وظیفه نظارتی تفویضی دارد، معتقد است که جهت‌گیری دولت در راستای سند چشم‌انداز نیست. اگرچه بحث و تبادل نظر علمی می‌تواند به کارایی بیشتر اصول مورد تأکید این سند در عرصه عمل منجر شود، اما ارائه تفسیرهای گاه متضاد با یکدیگر که هیچ‌سختی با هم ندارند تحقق سند چشم‌انداز را دشوار می‌سازد.

بر این پایه ایران توسعه یافته در افق ۱۴۰۴، منوط به ایجاد فضایی غیرمتشنج در روابط خارجی و بهره‌گیری هر چه بیشتر از امکانات جهانی شامل تکنولوژی پیشرفته و امکانات مالی بین‌المللی می‌باشد و سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده و مؤثر با جهان، آن‌گونه که در سند چشم‌انداز منعکس گردیده، می‌تواند از طریق برقراری روابط متعادل و عاری از تشنج و حرکت به سوی اعتماد‌سازی، امنیت و آرامش، فضای مناسب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فن‌آوری‌های نوین را در جهت توسعه کشور فراهم کند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۳۲)

از این رو سیاست خارجی کشور در افق چشم‌انداز مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین‌الملل است. بدیهی است که اصالت یافتن همکاری در این نوع سیاست همان‌طور که از تنش و تقابل با نظام بین‌الملل پرهیزی می‌کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش وضع موجود در عرصه بین‌المللی نیست، بلکه با استفاده از قواعد بین‌المللی و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسایه و در راستای منافع و اهداف کشور گام برمی‌دارد. لازم به ذکر است که تحقق مفهوم "تعامل سازنده و مؤثر" در وهله نخست نیازمند تبیین نظری، استراتژیک و دیپلماتیک دقیق است تا از قابلیت انسجام بخشی به رفتارها و گفتارهای سیاست خارجی کشور برخوردار گردد.

به همین دلیل سؤال محوری مقاله آن است که سیاست‌های راهبردی تعامل سازنده و مؤثر با نظام بین‌الملل مندرج در سند چشم‌انداز، معطوف به چه رویکردها و قواعدی است. در واکنش، فرض مقاله آن است که تعامل سازنده و مؤثر ایران در نظام بین‌الملل، با رویکرد توسعه محور، اقتناع جمعی و مجموعه‌سازی، توجه به هنجارهای بین‌المللی، بکارگیری بهینه زبان و ادبیات سیاست بین‌الملل، پرهیز از رویکردهای تقابلی و مخاصمه‌آمیز، اعتماد‌سازی و اصلاح نگرش نظام بین‌المللی می‌تواند اساس سیاست خارجی ایران

را تشکیل دهد.

سند چشم انداز (vision): تصویر مطلوب و قابل دستیابی در یک افق زمانی معین (ابوالحسنی، ۱۳: ۱۳۸۴) به عبارت دیگر تصویر مطلوب و آرمان قابل دستیابی جامعه در یک افق زمانی بلندمدت که متناسب با مبانی ارزشی و آرمانهای نظام و مردم تعیین می گردد.

در واقع سند چشم انداز تصویری است که بیانگر وضعیت مطلوب، همه جانبه در راستای تحقق اهداف قانون اساسی و آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ خورشیدی است.

تعامل مؤثر (Interaction Affective): برقراری ارتباط تأثیرگذار و همکاری اثربخش میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها با در نظر گرفتن منافع ملی و رعایت الزامات معطوف به امنیت ملی و توسعه همه جانبه.

تعامل سازنده (Interaction Constructive): برقراری ارتباط با بازیگران مهم بین المللی (کشورها، سازمانهای بین المللی دولتی و غیر دولتی) و ارایه کارکردی مطلوب، خلاق و ثمر بخش است.

روابط بین الملل (International Relations): روابط بین بازیگران بین المللی که الزاماً "دولت ها نبوده و روابط بین آنها صرفاً" سیاسی نیست. همچنین روابط بین الملل را روابط و ارتباطات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی دولت ها، ملت ها و سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی نیز تعریف کرده اند.

همگرایی (Integration): فرآیندی است که در آن جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست های عمده و اساسی خویش چشم پوشیده و سعی می کنند به تصمیم های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم گیری ها را به نهادهای مرکزی تازه ای واگذار کنند (آقا بخش، ۱۳۷۹: ۲۷۷). همچنین همگرایی را گرایش دو اندیشه و یا تفکر در یک جهت تعریف کرده اند (همان، ۱۲۳).

ائتلاف چند کشور بر مبنای موقعیت جغرافیایی مشترک که بر اساس اجماع بر سرحد اقل موضوعات که مستلزم سود تمامی طرف های ائتلاف باشد را نیز همگرایی نامیده اند. همگرایی به مفهوم پیوندهای مشترک رسمی و غیررسمی میان چند کشور برای نیل به منافع مشترک است.

نظام بین‌الملل (International system): نظام بین‌المللی شامل کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین روابط و اعمال متقابل آنهاست (آقا‌بخشی، ۱۳۷۹: ۲۹۲). به تعبیر دیگر نظام بین‌الملل به معنای قطب و مرکز ثقل سیاست بین‌المللی بوده و به مفهوم محیطی در نظر گرفته می‌شود که در آن کشورهای متعدد، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مانند آن، حضور دارند؛ بطوری که رفتار، جهت‌گیری و خواسته‌های کشورهای مزبور از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرد. (نور الهی، ۱۳۸۰: ۲۴۲)

موقعیت و مزیت‌های بین‌المللی ایران:

همانگونه که ذکر گردید، تعامل مؤثر و سازنده ایران با نظام بین‌الملل مورد نظر در سند چشم‌انداز، بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در رویکرد مدیریت نظام در ابعاد بیرونی تعریف می‌شود. از طرفی بدون هماهنگی در داخل و تنظیم روابط در امور بین‌الملل نمی‌توان به ابعاد تعامل مؤثر و سازنده ایران در روابط بین‌الملل، اتخاذ سیاستی نه منفعلانه و نه تهاجمی بلکه تفاهم دو سویه، چند سویه و همکاری جویانه مؤثر دست یافت. سیاستی که در برگیرنده منافع مشترک بوده و بر هم‌افزایی و حداکثر سازی منافع طرفین تلاش دارد.

جمهوری اسلامی ایران کشوری است منطقه‌ای و با توانمندی‌های بین‌المللی که می‌تواند در سطح جهانی قدرتی تأثیرگذار باشد. ایران با سایر کشورهای منطقه به لحاظ ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک از موقعیت برتری برخوردار است و بیشترین مزیت‌های نسبی را به لحاظ این سه عنصر ساختاری در اختیار دارد.

جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی-ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی شکل‌دهنده نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرتهای مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ امریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرتهای بزرگ منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرتهای بزرگ افزایش می‌دهد. در واقع، این موقعیت ژئوپلیتیک ایران بود که در دو جنگ جهانی، لقب پل پیروزی به آن بخشید. از سوی دیگر وجود کشورهای بی‌ثبات هم‌مرز با ایران، با احتمال بروز

بنیاد گرایی های فرقه ای و ستیزه جو و در کنار حوزه خزر ایران را در منزلت استراتژیک مهمی قرار داده است.

از نظر اقتصادی، شاه راههای بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می گذرند، و بر این اساس ایران با پانزده کشور همسایه و دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن اینکه با برخورداری از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپولیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادر کننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به عنوان سوخت سیاست در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپولیتیکی است که قدرتهای بزرگ، اجازه تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین الملل را به خود نمی دهند.

از نظر فرهنگی نیز، ایران چه در دوره پیش از اسلام و چه پس از اسلام، از جمله کشورهایی بوده است که توانسته بر نظام بین الملل تأثیر داشته باشد. کمک به گسترش زبان فارسی پیش از اسلام و گسترش اسلام و زبان فارسی در بخشهای وسیعی از آسیا در دوره اسلامی از جمله تأثیرگذاریهای فرهنگی ایران محسوب می شود. پس از انقلاب اسلامی، تأثیرگذاری فرهنگی ایران شکل ایدئولوژیک به خود گرفته است، به طوری که در مقطعی توانسته است الگویی مناسب برای بسیاری از حرکت‌های اسلامی از غرب آفریقا تا خاورمیانه و آسیای مرکزی باشد.

طرح ایده گفت و گوی تمدنها و پذیرش جهانی آن فرصتی را فراهم نمود تا ایران بتواند بار دیگر با برگزاری کنفرانسهای بین المللی، از نظر فرهنگی، خود را به جهانیان بشناساند و از این طریق، جایگاه فرهنگی خود را ارتقاء بخشد.

بویژه آنکه برتری های موقعیتی و کارکردی، شرط لازم و ضروری برای تحقق و بروز تعامل اثر گذار در سطح جهانی است. تمایز دیگر ایران که تا حدی می تواند تنهایی استراتژیک را بوجود آورد در تفاوت های مذهبی، نژادی، قوم، فرهنگی و تمدنی ریشه دارد. البته با همه خصوصیات و ویژگی های برشمرده شده در فوق می توان گفت که ایران قدرت تضاد سازی و بهره گیری از منافع خود را دارد. آثار رویکرد تضاد سازی که سلبی و تلافی جویانه است به مصلحت اهداف توسعه ای بلند مدت ایران نخواهد بود و بالعکس نقش های ایجابی و ضرورت پیوند و تعامل و بهره گیری از ظرفیت های سه گانه مورد

اشاره در بالا بهتر می‌تواند نتیجه بخش باشد. (اکبری، ۱۳۸۵: ۴۰۳) تعامل ایران با نظام بین‌الملل به این معنی است که دولت‌ها در تعامل با بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در داد و ستدهای دو سویه و چند سویه به همکاری در عرصه‌های مختلف پردازند. اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را از موقعیت تعاملات خصمی و قهری به تعاملات همکاری جویانه و مشارکت محور تبدیل کند.

پیوند توسعه و تعامل سازنده و مؤثر در نظام بین‌الملل میان دیپلماسی اقتصادی و نظام بین‌الملل از جمله شروط اساسی و تجارب موفق توسعه یافتگی و قدرت یابی اثرگذار در جهان بوده است که تحقق آن در گرو سیاست تنش زدایی و تعامل سازنده با نظام بین‌الملل تعریف می‌شود.

سیاست خارجی کشور باید به گونه‌ای سامان یابد که در کنار تعامل سازنده با نظام بین‌الملل در سطح دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین در سطح سازمان‌های بین‌المللی، بتواند منابع، امکانات، فرصت‌ها و ثبات محیط خارجی کشور را برای فرآیند توسعه اقتصادی بسیج و تجهیز کند و هماهنگی کامل میان سیاست خارجی و بایسته‌های توسعه اقتصادی برقرار شود. (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۸)

سیاست‌های محوری تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل

گسترش همکاری‌های چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، تنش زدایی در روابط با کشورهای غیرمتخاصم، اعتماد سازی، تقویت روابط سازنده و مشارکت در قالب پیمان‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و همکاری فعال و نقش‌آفرین در راهبری رژیم‌های بین‌المللی می‌تواند در تحقق اهداف توسعه‌ای سند چشم‌انداز مؤثر باشد. بر اساس اولویت بندی زیر، تعامل سازنده و مؤثر ایران با نظام بین‌الملل را می‌توان در صورت بندی زیر ارایه کرد.

- ۱- کشورهای صنعتی و برخوردار از فن‌آوری
- ۲- کشورهای همسایه و برخوردار از مزیت ژئوپلتیک
- ۳- کشورهای اسلامی غیر همسایه
- ۴- سازمان‌های بین‌المللی
- ۵- کشورهای جهان سوم از جمله آفریقا، آمریکای لاتین و جنوب غرب آسیا

(مظاهری، ۱۳۸۵: ۳۹۱)

دیدگاهی دیگر بخصوص در دولت فعلی وجود دارد که معتقد است، براساس سند چشم انداز، سه حوزه همسایگان و منطقه، دنیای اسلام و جهان، به ترتیب اولویت برای تحرک سیاست خارجی کشور تعیین شده‌اند. (متکی، ۱۳۸۵: ۹) اولویت نخست سیاست خارجی و دیپلماسی کشور منطقه و همسایگان خواهد بود، جایی که ایران قصد دارد به قدرت نخست تبدیل شود. دنیای اسلام در مرحله بعد قرار دارد و از راه نمونه‌سازی الهام‌بخش صورت خواهد گرفت و در مرحله آخر تعامل سازنده با جهان برای فراهم‌آوری منابع لازم برای تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه‌ای مد نظر می‌باشد.

بر این اساس تعامل سازنده، محور تعادل میان داخل و خارج و استراتژی سیاست خارجی توسعه‌گرا برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ است.

بر اساس اولویت‌های مذکور برخی از سیاست‌های محوری تعامل سازنده و مؤثر ایران در نظام بین‌الملل به شرح زیر است:

۱- رویکرد توسعه محور، اقناع ساز و مجموعه ساز

در شرایط جدید بین‌الملل، کشورها از راه کنش‌های فردی موفقیت چشمگیری در سیاست خارجی به دست نمی‌آورند و این حتی در مورد قوی‌ترین و بزرگ‌ترین قدرت‌ها نیز درست است. آنچه در این شرایط اهمیت دارد، توانایی کشورها در همراه کردن دیگران با خود و مجموعه‌سازی است. همواره در موضوعات مهم سیاست خارجی مواردی وجود دارد که با اندکی نرمش با اهداف بسیاری از کشورها نزدیک و مشترک می‌شود. رایزنی با کشورها و فعال بودن در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند فراهم‌سازنده منافع جمعی باشد.

به نظر می‌رسد بهترین سیاست خارجی ایران با توجه به تجارب تاریخی و شرایط ژئوپلیتیکی، سیاست موازنه مثبت و یا متوازن باشد. چنانچه ایران در ۲۰ سال آتی بخواهد به قدرت نخست علمی - اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل گردد به ناچار باید با نظام بین‌الملل رویکرد تعامل و سازشکارانه داشته باشد، گرچه به لحاظ ارزشی و اخلاقی چنین رویکردی رنج آور است.

بنابراین اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا در تعامل با نظام بین‌الملل قواعد شکل‌گیری و رشد را با توجه به محدودیت‌ها و امکانات، درونی می‌کند. در این راستا تعامل و ایجاد ائتلاف و همسویی با بازیگران منطقه‌ای و جهانی بسیار مهم و همکاری و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی و همانند سازی سیاست‌ها و قوانین داخلی در جهت توسعه نیز الزام‌آور تلقی می‌گردد (مجیدی و سوری، ۱۳۸۷: ۲۳۵)

بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای بهبود بخشیدن به جایگاه کنونی خود که در معیارهای جهانی پذیرفته شده است باید از وضعیت انتقال و در حال گذار نظام جهانی پیشینه بهره‌برداری را به عمل آورد و در چهار چوب همکاری‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و با حضور کارآمد در پیمان‌های استراتژیک منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تلاش کند. افزون بر تقویت پیمان‌های سیاسی و استراتژیک باید از تشکل‌های اقتصادی در جهت توسعه و تجهیز بنیان‌های اقتصادی کشورهای عضو با تولیدات گوناگون بخصوص منابع استراتژیک چون نفت و گاز استفاده شود. (رشنو، ۱۳۸۷: ۴۷۵)

۲- خلق متحد یا متحدین استراتژیک

متحد استراتژیک به لحاظ مفهومی یعنی کشوری که به لحاظ عقیدتی - سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و... رابطه بسیار نزدیک با یک کشور داشته و روابط و رفت و آمدها بین سران کشورها در سطح بالا است. (صدر، ۱۳۸۶: ۲۲)

در تعریف دیگر متحد استراتژیک به این معنی است که یک بازیگر بین‌المللی حاضر باشد به خاطر متحد خودش از منافع حیاتی خودش بگذرد؛ یعنی اگر علیه متحد خود جنگی اتفاق بیفتد او حاضر باشد به نفع او وارد جنگ شود و حاضر باشد بعضی از منافع حیاتی و اقتصادی خود را به خاطر او از دست بدهد. مثل آمریکا و انگلیس. (سلیمی، ۱۳۸۲: ۷)

به عبارت دیگر، وقتی ما می‌گوییم "متحد استراتژیک" در واقع از انطباق منافع حیاتی دو بازیگر با یکدیگر یا نزدیک شدن منافع حیاتی دو بازیگر در موضوعی خاص که آن موضوع در سطح منافع حیاتی تعریف شده صحبت می‌کنیم. بنابراین ممکن است با برخی از بازیگران همکاری داشته باشیم، یعنی در سطح پایین‌تر از منافع حیاتی یا در سطح روشها یا الگوهایمان. اما وقتی می‌گوییم استراتژیک یعنی ما در اهداف حیاتی و کلان خود هم کیشانی داریم و وقتی می‌گوییم رقیب استراتژیک (مانند رژیم صهیونیستی و جمهوری

اسلامی ایران) در واقع در بسیاری از منافع حیاتی خود با هم در حوزه تعارض هستند و برخی معتقدند که این تعارض حتی در سطح هویتی هم تعریف شده، لذا این دو بازیگر به هیچ وجه نمی توانند در قالب الگوهای همکاری حتی به صورت موضعی موقت به همدیگر نزدیک شوند. (افتخاری، ۱۳۸۴: ۸)

جمهوری اسلامی ایران می تواند در دو یا سه منطقه به دنبال متحد استراتژیک باشد. یکی حوزه کشورهای اسلامی و عربی است و دیگری روسیه، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه برای اینکه به اهداف کلان خود برسد، مایل است خلأ قدرت اتحاد جماهیر شوروی را پر کند، لذا چنانچه ایران بتواند در این بازی جدید به منافع مشترکی در سطح کلان با روسیه برسد، این قابلیت وجود دارد که روسیه به متحد استراتژیک ما تبدیل شود. اما ارتقای روابط ایران و روسیه به سطح استراتژیک با مشکلات بسیار جدی مواجه است و نوع رفتارهای روسیه هرازگاهی نشان می دهد که آنها هم مایل به چنین سرمایه گذاری ای نخواهند بود. البته در کنار سیاست نگاه به شرق نباید از سیاست نگاه به غرب غفلت کرد و رفع تنش با غرب را نیز باید توأمان پیگیری کرد. رویکرد یا پیشنهاد سوم متوجه چین است؛ یعنی اینکه این قدرت خفته یا قدرت آرام حتی بیشتر از روسیه چنین ظرفیتی را دارد و می تواند این نقش را ایفا کند. هانتینگتون در نظریه برخورد تمدنها معتقد بود که عمده ترین خطر جدی برای اردوگاه یا تمدن غربی همین است که نمایندگی آن را جمهوری اسلامی ایران و چین به عهده داشته باشند. در واقع تحلیل هانتینگتون بر این مسأله استوار است که نزدیک ترین متحد استراتژیکی که در فضای جدید می تواند برای ایران شکل بگیرد، چین است.

۳- توجه به هنجارهای بین المللی

توجه به عرف و هنجارهای بین المللی در جهان جدید باید به عنوان یک راهنما در سیاست گذاری خارجی مورد توجه قرار گیرد. کشورها با آشنایی و استفاده از عرف و هنجارهای بین المللی بهتر می توانند به منافع خود برسند. البته توجه به عرف و هنجارهای بین المللی به معنی تسلیم شدن در برابر آنها نیست، بلکه مبتنی بر طریقت و مآلاً ارزش گذاری است.

۴- بکارگیری بهینه زبان و ادبیات سیاست بین‌الملل یا دیپلماتیک

موضوع دیگری که توجه به آن ضرورت دارد، رابطه میان اندیشه و آرمان از یک سو و زبان و ادبیات مورد استفاده برای بیان و ابراز آن اندیشه و آرمان از سوی دیگر می‌باشد. زبان همواره باید در خدمت اندیشه و آرمان باشد و نه اینکه به حصار برای آن تبدیل شود. اصالت زبان به میزان توانمندی آن برای کارآمد ساختن و موفقیت در رسیدن به هدف بستگی دارد. به همین دلیل، هنگامی که زبان، فاقد توانمندی لازم برای پیشبرد فکر باشد، باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. کشورهای موفق در حوزه سیاست خارجی کشورهایی هستند که متناسب با شرایط زمانی و مکانی، زبان‌های متفاوتی برای بیان اندیشه خود برمی‌گزینند.

در شرایط کنونی نظام بین‌الملل، پیگیری اهداف ملی باید به شیوه‌ای صورت گیرد که نه تنها نگرانی سایر بازیگران را بر نیانگیزد، بلکه امکان جلب همکاری آنان را در دستیابی به اهداف داشته باشد. در این جهت، علاوه بر مجموعه‌سازی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان کانون پیگیری و تأمین موفقیت‌آمیز اهداف ملی ارائه تصویری مطلوب از اهداف ملی است تا در پرتو آن پیگیری این اهداف به‌صورت منافع جمعی قلمداد گردد.

برای ارایه تصویری مطلوب به محیط بین‌المللی، بهره‌گیری از زبان و ادبیات در سیاست بین‌الملل، مهم می‌نماید تا در پرتو آن بتوان به اهداف ملی دست یافت. زیرا در شرایط جدید دستیابی به اهداف ملی جز از راه همکاری با دیگران امکان‌پذیر نیست و پیش‌شرط همکاری، برخورداری از تصویری مطلوب نزد دیگران است. گرچه تغییر در ادبیات و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های بزرگ بین‌المللی یکی از ضرورت‌های تحقق تعامل سازنده و موثر است، اما این امر به معنای پذیرش بی‌چون و چرای خواسته‌ها و اهداف قدرت‌های بزرگ در قبال کشور نیست، بلکه متوجه چگونگی مدیریت و گزینش نوع قواعد بازی متناسب با اهداف تعریف و تعیین شده در چشم‌انداز بیست ساله می‌باشد.

۵- پرهیز از رویکرد های تقابلی و مخاصمه‌آمیز

اتخاذ رویکرد دشمنی‌ورزانه نسبت به روندها و فرآیند جهانی در شرایط موجود نه تنها منجر به تغییر و دگرگونی آنها نخواهد شد، بلکه کشوری که این‌گونه رویکردها را مدنظر قرار دهد در معادلات جهانی گوشه‌نشین یا طرد خواهد شد. در این شرایط، کشورهایی که

با برخی از روندها مخالف هستند به جای تقابل، با تعامل فعالانه تلاش می‌کنند در جهت تأثیرگذاری مناسب بر این روندها و فرآیندها امکان بیشتری را برای بهره‌برداری خود از فرصت‌های بین‌المللی فراهم سازند.

در شرایط نوین، کشورهایی که به هر دلیلی تهدید تلقی شده و یا یک تصویر امنیتی از خود بروز می‌دهند، نمی‌توانند اهداف خود را به شیوه‌ای مطلوب در نظام بین‌المللی پیش ببرند. به عبارت دیگر، وضعیت جهانی به گونه‌ای است که به سادگی در برابر چالش‌های مستقیمی که امنیت و اقتصاد جهانی را با خطر مواجه نماید، هم رأی شده و متحد عمل می‌کند. از این رو، در شرایط موجود پیگیری اهداف ملی باید با تصویر غیرامنیتی (فرهنگی، اقتصادی) از خود همراه باشد.

۶- تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب معاهدات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

با توجه به اینکه فرآیندهای منطقه‌ای متناسب با نیازهای منطقه‌ای شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند، بنابراین، کناره‌گیری از مشارکت در این فرآیندها به ناپدید شدن منافع ملی منجر می‌شود. در این شرایط، بهترین اقدام، مشارکت کنش‌ورزانه در شکل‌دهی و جهت بخشی به این گونه فرآیندهاست. یکی از متغیرهای اصلی در تعیین میزان تأثیرگذاری یک کشور در گستره سیاست بین‌الملل، درجه همکاری آن کشور در شکل‌دهی و جهت‌دهی به فرآیندهای منطقه‌ای و در سطحی کلان به فرآیندهای جهانی است. این به دلیل آن است که فرآیندهای بین‌المللی تأثیر اساسی بر الگوهای تعامل میان بازیگران عرصه بین‌الملل می‌گذارند. برای تأثیرگذاری در جهت دهی فرآیندهای منطقه‌ای و بین‌المللی تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب معاهدات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ضرورتی جدی است.

همکاری بین‌المللی در تأمین اهداف ملی از آن رو اهمیت دارد که در وضعیت کنونی، از یک سو اساساً پیگیری این اهداف بدون بهره‌مندی از منابع بین‌المللی، امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، این همکاری سبب کاهش چشمگیر هزینه‌های رسیدن به این اهداف خواهد شد. بر این اساس، باید گفت که استراتژی سیاست خارجی چشم‌انداز با توجه به دو گزاره داخلی: نیازهای اقتصادی - اجتماعی (توسعه همه‌جانبه) و وضعیت جغرافیایی (ژئوپلیتیک)؛ و دو متغیر خارجی: ساخت نظام بین‌الملل (شیوه توزیع قدرت و هنجارها) و وجود تهدید

و خطر، مبتنی بر تعامل سازنده می‌باشد. این استراتژی بر پایه ایجاد «امنیت فراگیر» و ثبات دائمی در سطوح فردی، اجتماعی و ملی کشور است و سیاست‌های اقتصادی و دفاعی پشتیبان آن خواهند بود و طیفی از همکاری‌ها و گونه‌هایی از رویارویی دفاعی و تاکتیکی را در بر می‌گیرد و به سمت توازن بخشی میل می‌کند.

۷- استراتژی همزیستی مسالمت آمیز:

همزیستی مسالمت آمیز یک سیاست واقع‌گرایانه مبتنی بر مفاهیم و احترام متقابل است. بر اساس این منطق جمهوری اسلامی ایران در عین حفظ هویت اسلامی و انقلابی خود، پیگیر منافع ملی و به رسمیت شناختن حقوق و منافع دیگر کشورها خواهد بود و با پرهیز از مطلق‌گرایی و یک‌سویه‌اندیشی تلاش می‌کند با پذیرش پلورالیسم بین‌المللی در سیاست خارجی به جای الگوی کشمکش و تعارض در قالب همکاری و همزیستی مبتنی بر صلح و تفاهم با دیگر کشورها روابط خود را تقویت کند.

۸- اصلاح نگرش نظام بین‌المللی، تنش‌زدایی و اعتمادسازی یا ایجاد تصویری مثبت از ایران

تنش‌زدایی سیاستی عملگرایانه است که اصل همزیستی و همکاری را محور خود قرار می‌دهد و از منطق گفت‌وگو سازنده پیروی نموده و با اعتمادسازی در سیاست خارجی سوء برداشت‌ها را مرتفع می‌کند. تنش‌زدایی فرآیند عادی‌سازی روابط با همه کشورهای است که از نظر جمهوری اسلامی مشروعیت و رسمیت دارند و بر پایه احترام دو‌سویه با آنان رفتار می‌کنند.

اتخاذ سیاست تنش‌زدایی به معنی سستی و انفعال و کوتاه آمدن از مواضع اصولی نیست بلکه بر اساس عقلانیت و منطق است که با اعتمادسازی دوسویه دامنه همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی گسترش می‌یابد.

جمهوری اسلامی ایران با سیاست مستمر تنش‌زدایی و اعتمادسازی تلاش در جهت اصلاح و بهبود نگرش نظام بین‌الملل بخصوص قدرت‌های بزرگ نسبت به ایران را باید مد نظر قرار دهد و بی‌تردید بدون اعتمادسازی و تنش‌زدایی نمی‌توان نگرش نظام بین‌الملل را نسبت به ایران تعدیل و اصلاح کرد.

۹- تعقیب سیاست چند جانبه گرایی :

چند جانبه گرایی الگوی رفتاری سیاست خارجی بر اساس اصول و قواعدی است که در بردارنده هنجارها، ارزش ها، هویت های مشترک و نهاد های رسمی و غیر رسمی در زمینه همکاری و همیاری در مدیریت امور سیاسی، اقتصادی و امنیتی، در یک دوره زمانی و پویا است. ارزش ها، هنجارها و شیوه تعامل مشخص و معین در بین کشورهای شرکت کننده در مدیریت بین المللی را بوجود می آورد. در بستر چند جانبه گرایی دیپلماسی چند جانبه معنا و مفهوم پیدا می کند. دیپلماسی چند جانبه در نظام، شیوه، رویه مدیریت مشترک و دسته جمعی مسائل و موضوعات معطوف به منافع مشترک توسط چند کشور در بستر اندیشه چند جانبه گرایی امکان پذیر است. دیپلماسی چند جانبه در شرایط و حوزه هایی امکان پذیر و کارساز است که منافع مشترک روشن و آشکار قابل شناسایی باشد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۹)

از این رو دیپلماسی چند جانبه امکان همکاری، کنش ورزی و سهم پذیری کلیه کشورها در مدیریت مشترک، در قالب سازمان های بین المللی را فراهم می کند. دیپلماسی چند جانبه برای قاعده سازی و هنجار سازی در سطح بین المللی ضرورت پیدا می کند. بر اساس آنچه گذشت، دیپلماسی چند جانبه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به معنای حضور و نقش آفرینی کنشی در عرصه بین المللی از راه مشارکت کارآمد و سازنده در نهادها، مجامع، کنفرانس ها، ترتیبات و رژیم های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی بین المللی به منظور شکل دهی به فرآیند های بین المللی و حل و فصل درگیری های بین المللی و هنجاری است.

۱۰- به کارگیری و بهره برداری از دیپلماسی فرهنگی

کشورهایی که دارای حوزه های فرهنگی - تمدنی هستند بیش از کشورهایی که این حوزه ها را ندارند، از امکان تعامل منطقه ای و تأثیرگذاری جهانی برخوردار می باشند. بنابراین، کوشش برای گسترش و تقویت حوزه های فرهنگی - تمدنی برای واحدهای ملی، بیش از هر چیز کوششی برای منافع ملی آنهاست. (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۹)

معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان یکی از تمدن های بزرگ جهان، ارایه تصویری خالص از ارزش ها و اندیشه های اسلامی (ملکی، ۱۳۸۷: ۹۸) و تبلیغ سنت ها، باورها،

ایستارها، آثار و مظاهر باستانی و خرده فرهنگ های عمومی ایرانیان به سایر کشورها مد نظر است. تبادلات فرهنگی و برگزاری نشست های علمی مشترک در سطح منطقه ای و جهانی، مبادله محصولات فرهنگی و صنایع دستی و برگزاری روز فرهنگ و تمدن ایران در کشورهای بزرگ دنیا و زمینه سازی برای توسعه و جذب توریسم می تواند تاثیرات فرهنگی مطلوبی در تعامل ایران با دنیا داشته باشد.

هویت اسلامی و انقلابی و رابطه آن با تعامل مؤثر و سازنده

ایران توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه و برخوردار از سیاست تعامل سازنده و مؤثر در نظام بین الملل بدون در نظر گرفتن مبانی ارزشی مکتب اسلام که نظام بر اساس آن شکل گرفته است، قابل قبول نیست و به تعبیری هویت اسلامی و انقلابی جامعه نباید قربانی توسعه یافتگی و جذب و ادغام در نظام های سکولار غربی شود. زیرا هویت اسلامی و انقلابی یعنی جامعه ای آراسته به آموزه های اسلامی و اخلاقی و دارای ویژگی هایی چون حق طلبی، استقلال خواهی و ظلم ستیزی در سند چشم انداز و به عنوان پارادایم مسلط در مقابل پارادایم لیبرال و سکولار برای اداره جامعه مطرح است. بنابراین حفظ هویت اسلامی و انقلابی - انقلابی نه به معنی نگره ها و رفتارهای تندروانه و رادیکال بلکه به معنی اصولگرایی و تحول خواهی - در تعاملات اجتماعی و تبادلات فرهنگی در روابط بین الملل مبنای حرکت و همکاری خواهد بود؛ بلکه « هویت اسلامی و انقلابی » بدان معنا است که حرکت در مسیر توسعه به مفهوم رویگرداندن از اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی و قانون اساسی نیست، ولی شیوه تحقق این آرمان ها دگرگون شده است؛ به این صورت که با دستیابی به موقعیت توسعه یافتگی، ایران به منشاء الهام و الگوبرداری سایر کشورهای اسلامی تبدیل شود.

در این چارچوب تعامل ایران با نظام بین الملل بر اساس سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در رویکرد مدیریت جامعه در ابعاد بیرونی تعریف می شود، زیرا بدون هماهنگی در داخل و تنظیم روابط در امور بین الملل، نمی توان به ابعاد تعامل مؤثر و سازنده ایران در روابط بین الملل، اتخاذ سیاستی نه منفعلانه و نه تهاجمی بلکه تفاهم دو سویه و همکاری جویانه مؤثر که در برگیرنده منافع مشترک است و بر هم افزایی و حداکثر سازی منافع طرفین تلاش دارد دست یافت. (مبینی دهکردی و رضایی، ۱۳۸۵ : ۶۹۴)

الگوی تعامل مؤثر و سازنده به عنوان یکی از ارکان محوری سند چشم انداز و یکی از پایه های اصلی راهبرد بلند مدت در سیاست خارجی کشور برآیند و حلقه اتصال شش رکن راهبردی سیاست خارجی است که می توان آنها را اینگونه برشمرد:

- ۱- سیاست تعادل نسبی میان تقابل و کنترل چالش های ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران .
- ۲- سیاست مهار تهدید و کنترل توسعه طلبی رژیم صهیونیستی
- ۳- سیاست تعامل موازنه سازنده (موازنه مثبت) با اتحادیه اروپا و کشورهای محور اروپایی
- ۴- سیاست معتمد مشترک با بلوک بین الملل اسلامی (اکبری، ۱۳۸۷ : ۳۹۹)
- ۵- سیاست توسعه منافع و مشترکات امنیتی ، سیاسی و اقتصادی با کشورهای محور نظیر روسیه، چین، هند، ژاپن، مالزی و اندونزی.
- ۶- سیاست تعمیق مناسبات و گسترش منافع با کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین.

الزامات تحقق تعامل سازنده و مؤثر سند چشم انداز

در پیش نویس الزامات تحقق سند چشم انداز که به تصویب شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۸۷ رسیده است ، ۷ بند از ۲۵ بند تصویب شده مرتبط با حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل است و نشان می دهد که عنصر کلیدی «تعامل سازنده و مؤثر ایران در روابط بین الملل» مورد توجه جدی این نهاد بوده است. در این پیش نویس، موارد زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

۱. تحکیم الگوی مردم سالاری دینی و تعمیق مشارکت سیاسی، ترویج عقلانیت و اعتدال، نفی اندیشه خشونت گرایی، تحجر، واپس گرایی، افراطی گری، غرب زدگی، خودباختگی و اباحی گری در تعاملات اجتماعی و روابط بین الملل.
۲. تقویت همگرایی، گسترش و تعمیق پیوندهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و تسهیل ارتباطات بین جوامع و دولت ها در منطقه و جهان اسلام و تشکیل بازارهای یکپارچه و مشترک.
۳. تعامل سازنده با فرآیند و روند طبیعی جهانی شدن و مقابله با پروژه جهانی سازی

غرب و نظام تک‌قطبی و مناسبات غیرعادلانه در جهان.

۴. ارتقای کارآمدی و بسترسازی لازم در روابط خارجی برای تعامل مؤثر و سازنده در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی و تنظیم روابط با قدرت‌های مشروع و غیرمتخاصم.
۵. همکاری سازنده و دوستانه بین پیروان مذاهب اسلامی و تعامل مثبت و مؤثر با پیروان ادیان الهی و تلاش مشترک به منظور تحقق آرمان‌های الهی مانند خداپرستی، عدالت، کرامت انسانی و مقابله با تنازعات و اقدامات تفرقه‌افکنانه.
۶. حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور و برنامه‌ریزی جهت استفاده از ظرفیت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها در روابط خارجی و رفع نیازهای کشور.
۷. سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای و جهانی مبتنی بر عدالت، آزادی، صلح، امنیت و رفاه همگانی. (جام جم، اول تیرماه ۱۳۸۷)

ملاحظات

سیاست خارجی مبتنی بر تعامل سازنده و مؤثر، ویژگی‌هایی دارد. مهم‌ترین این ویژگی‌ها، توانمندی کشور در بازی کردن نقش تولیدکننده امنیت می‌باشد. کشور باید توانا به تأثیرگذاری بر تعریف تهدیدات، منافع و رویکردهای جمعی باشد. لازمه این تأثیرگذاری نیز، توانمندی و قابلیت عمومیت بخشی به درک مفاهیم بنیادین امنیتی جمعی از یک سو و قدرت عرضه سازوکارهای مورد پذیرش جمعی در برابر تهدیدات از سوی دیگر است.

نکته مهم دیگر که در ابعاد مفهوم تعامل مؤثر و سازنده در سند چشم‌انداز نباید از یاد برد، ارائه تعریف عملیاتی و قابل قبول جمعی از نقش‌کانونی کشور در حوزه‌های مهم سیاسی، استراتژیک، اقتصادی و فرهنگی است. برای دستیابی به این هدف، کشور نیازمند ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مکمل و جایگزین شونده، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. تولید و بازتولید الگوهای سامان‌دهنده مطلوب در ساحت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز می‌تواند نقشی اساسی در تأمین هدف مورد نظر داشته باشد.

همچنین برخورداری از جایگاه مناسب در حوزه‌های تولید دانش، دانایی، ثروت، خلاقیت و رضایت‌مندی نیز ضروری به شمار می‌آید. و این امر فقط در سایه وجود درک مثبت، شایسته احترام و الگوپذیری قابل دستیابی است. پس هرگونه زمینه‌ای که تصویری

مخدوش، چالشگر، پیش‌بینی‌ناپذیر و غیرقابل اعتماد از کشور ارائه دهد در گستره سیاست خارجی آسیب زنده است.

ماهیت هریک از اهداف سند چشم‌انداز و ابزار تحقق آن به‌روشنی گویای آن است که توسعه ملی کشور نباید و نمی‌تواند در راهی رویارو شونده با جهان به ثمر نشیند، بلکه از راه تعامل سازنده، منابع، آرامش، ثبات، امنیت و نیازمندی‌های لازم برای تحقق توسعه‌یافتگی فراهم خواهد شد. از این دیدگاه، تأثیر مثبت بر نگاه‌ها، تصویرها و برداشت‌های دیگران از کشور، از اولویت بسیار بالایی برخوردار است و به‌عنوان بایسته بنیادین، محدوده گفتاری و رفتاری سیاست خارجی کشور را تعیین می‌کند.

اجرای سیاست خارجی همواره به‌عنوان کوششی مستمر برای تأمین همکاری‌های بین‌المللی و متوجه تحقق اهداف چشم‌انداز تلقی می‌شود. این همکاری‌ها را به‌وسیله قانون نمی‌توان تحمیل کرد و به‌جز چند نمونه، از راه زور هم به دست نمی‌آیند. زیرا «تعامل موثر و سازنده» پویاترین شیوه اجرای سیاست خارجی برای تحقق اهداف چشم‌انداز است که در یک نگاه کلی باید در پی اهدافی چون خنثی‌سازی ترفند‌های خصومت‌آمیز و بی‌طرف سازی، حساسیت‌زدایی و همراه سازی و همچنین تفاهم سازنده همراه با هنجارسازی و مجموعه سازی با کشورها و نهاد‌های بین‌المللی باشد.

مهم‌ترین اقداماتی که ضرورت دارد تا براساس بایسته‌های گفته شده و به منظور تحقق اهداف چشم‌انداز در دستور کار قرار گیرد به شرح ذیل است:

۱. مدیریت دگرگونی هنجاری، به‌صورت پویا، منعطف و شبکه‌ای
۲. چهره‌سازی و ایجاد مقبولیت
۳. اعتمادسازی و قابل پیش‌بینی بودن
۴. برانگیزش، حساسیت‌زدایی و اقناع بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی
۵. ایفای نقش نمونه ساز، مبتکر و شکل دهنده منطقه‌ای (مدیریت بحران‌ها)
۶. ایجاد دستگاه دیپلماسی حرفه‌ای.

بر این اساس، سند چشم‌انداز، به‌گسترش فرایند جهانی شدن و ناگزیر بودن مشارکت فعال و پویا در نظام بین‌الملل و توسعه برون‌گرا با حفظ اصول اسلامی و انقلابی طرح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی توجه داشته است. محصول تحقق اهداف سند چشم‌انداز ایجاد و تقویت بنیان نظام سیاسی در تعامل با نظام بین‌الملل، براساس سه اصل

عزت، حکمت، مصلحت و با هدف کارآمدی بنیان‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و علمی نظام است.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی کشور در افق چشم‌انداز مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین‌الملل است. در این سیاست همان‌طور که از تنش و تقابل با نظام بین‌الملل پرهیز می‌شود، وادادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش مطلق وضع موجود در عرصه بین‌المللی نیز مردود است. اما استفاده از قواعد بین‌المللی و ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسوس، در راستای منافع و اهداف توسعه کشور مورد توجه جدی قرار می‌گیرد.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که «سیاست خارجی جهان‌گرای اصلاح‌طلب» ماهیتی تعاملی دارد که حد وسط تقابل و تطابق قرار دارد. در این سیاست ادغام و انطباق کامل و بی‌قید و شرط مد نظر نبوده و تقابل مطلق جهت تغییر بنیادی وضع و نظم موجود به صورت فوری و فاحش مد نظر نیست.

در سیاست خارجی تعاملی، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم نارضایتی و ناخرسندی از نظم و نظام بین‌الملل موجود در تلاش است تا در چهارچوب آن با کشورها تعامل داشته باشد و به تدریج آن نظام را در جهت نظم مطلوب خود اصلاح کند و این رویکرد تعاملی می‌تواند به صورت دوجانبه و یا چندجانبه در چهارچوب همکاری‌های سازمان یافته از طریق نهادها، سازمان‌های بین‌المللی و رژیم‌ها ظهور و بروز پیدا کند.

البته برای کسب موفقیت در گستره سیاست خارجی الزاماً آرمان‌های مورد نظر در سند چشم‌انداز از جمله توسعه یافتگی و کسب جایگاه نخست علمی و فناوری و اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی باید با توجه به امکانات و مقدرات محیطی و ساختاری مورد توجه قرار گیرند. بی‌تردید تأکید بر آرمان‌ها بدون توجه به شرایط محیطی و شناسایی ملاحظات ساختاری سبب نامرادی و آسیب‌پذیر شدن آرمان‌ها و تأکید بر محدودیت‌های ساختاری بدون توجه به آرمان‌ها سبب بی‌هویتی خواهد شد. صورتبندی آرمان‌ها متناسب با شرایط زمانی و مکانی مهم‌ترین وظیفه برای ایران در نظام بین‌المللی است.

بنابراین اتخاذ سیاست تعامل سازنده و مؤثر با توجه به دو عنصر پایه‌ای توانایی‌های داخلی (مقدرات) و الزامات بین‌المللی (محدورات) صورت می‌گیرد و ایران به عنوان

یک واحد سیاسی متناسب با ساختارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و تکنولوژی ابتدا باید موقعیت خود را مشخص کند که در کدام دسته از قدرت از جمله ابر قدرت، قدرت بزرگ، قدرت متوسط و یا ریز قدرت قرار دارد و به لحاظ اقتصادی و تکنولوژیکی در کدام دسته چون مرکز، شبه پیرامون و یا پیرامون و به لحاظ فرهنگی - تمدنی در کدام موقعیت از جمله نفوذ پذیر و یا متنفذ قرار دارد.

بر اساس این شناخت تعامل ایران با نظام بین الملل در جهت ارتقاء سطح از متوسط به بزرگ، از پیرامونی به شبه پیرامونی و از شبه پیرامونی به مرکز و از موقعیت نفوذ پذیر متنفذ به نفوذ ناپذیر متنفذ صورت خواهد گرفت.

همچنین تعامل سازنده و مؤثر به عنوان استراتژی کلان ملی دارای ویژگی ترکیبی است؛ بدین معنی که عناصری از دو استراتژی کلان رویارویی و اصلاح وضع موجود را در خود جمع کرده است، اما از بیشترین همانندی با استراتژی اصلاح وضع موجود، برخوردار است. زیرا نخست، وضع موجود را نمی پذیرد و دوم و مهم تر آنکه، تنها راه دگرگون ساختن وضع موجود را تغییر درون سامانه‌ای، یعنی پیگیری دگرگونی‌ها با تکیه بر قواعد نظم موجود، می‌داند. از این روست که به رویارویی تهاجمی با نظم موجود باور ندارد. در واقع، نخبگان فکری و ابزاری کشور به این جمع‌بندی کلان دست یافته‌اند که پیگیری اهداف ملی و رشد بخشیدن به جایگاه کشور در سلسله مراتب بازیگران در عرصه بین‌المللی، جز با ارائه تصویری روشن و مطلوب از ایران به عنوان جزئی از پیکره جهانی، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، از مهم‌ترین اهداف ملی مطرح در میان نخبگان، گرایش به بازسازی روابط قدرت در عرصه بین‌المللی - در گام اول در منطقه و سپس در سطح جهانی - است.

پیگیری این دو در ترکیب با یکدیگر، همان گونه که منطق سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد، جز در پرتو در پیش گرفتن تعامل سازنده، ممکن و کارا نخواهد بود. در پیش‌گیری این استراتژی مانند هر استراتژی دیگری فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای کشور به همراه دارد. مهم‌ترین محدودیت آن، پیگیری اهداف ملی در چهارچوب قواعد و هنجارهای نظم موجود بین‌المللی و نیز دستیابی به دگرگونی‌های مورد نظر در قالب قواعد این نظم است. به عبارت دیگر، کشور در اتخاذ این استراتژی، قواعد بازی بین‌المللی را می‌پذیرد و دگرذیسی مورد نظر خود را در پرتو رویکرد جمعی و با اتکا به قواعد و هنجارهای بازی پیگیری می‌کند. مهم‌ترین بهره‌مندی زاینده از کاربرد این استراتژی، تصویرسازی اهداف

ملی در قالب مجموعه سازی و استفاده از «فرصت جمعی» است. القای این تصویر سبب خواهد شد نخست، نگرانی سایر بازیگران از پیگیری اهداف ملی و مهم‌ترین آن یعنی افزودن جایگاه کشور به کمینه ممکن کاهش یابد و دوم، به همکاری آنها در فراهم ساختن این اهداف بیانجامد.

تعامل سازنده و مؤثر، محور تعادل میان داخل و خارج و استراتژی سیاست خارجی توسعه‌گرا برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ است. بر اساس اولویت‌های ذکر شده در بالا مؤلفه‌های محوری تعامل سازنده و مؤثر ایران در نظام بین‌الملل با رویکرد توسعه محور، اقناع سازی و مجموعه سازی مدنظر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد بهترین سیاست خارجی ایران با توجه به تجارب تاریخی و شرایط ژئوپلتیکی، سیاست موازنه مثبت و یا متوازن باشد. چنانچه ایران در ۲۰ سال آتی بخواهد به قدرت نخست علمی - اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل گردد، به ناچار باید با نظام بین‌الملل رویکرد تعامل گونه داشته باشد.

بنابراین اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا در تعامل با نظام بین‌الملل قواعد شکل‌گیری و رشد را با توجه به محدودیت‌ها و امکانات، تنظیم می‌کند. در این راستا تعامل و ایجاد ائتلاف و همسویی با بازیگران منطقه‌ای و جهانی بسیار مهم و همکاری و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی و همانند سازی سیاست‌ها و قوانین داخلی در جهت توسعه نیز الزام آور تلقی می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران برای بهبود بخشیدن به جایگاه کنونی خود که در معیارهای جهانی قابل توجه است، باید از وضعیت انتقال و در حال گذار نظام جهانی بیشترین بهره برداری را به عمل آورد و در چهار چوب همکاری‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و با حضور کارآمد در پیمان‌های استراتژیک منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تلاش کند. افزون بر تقویت پیمان‌های سیاسی و استراتژیک، باید از تشکل‌های اقتصادی در جهت توسعه و تجهیز بنیان‌های اقتصادی کشورهای عضو با تولیدات گوناگون بخصوص منابع استراتژیک چون نفت و گاز استفاده شود.

در شرایط کنونی نظام بین‌الملل، پیگیری اهداف ملی ما باید به شیوه‌ای صورت گیرد که نه تنها نگرانی سایر بازیگران را بر نیانگیزد، بلکه امکان جلب همکاری آنان را در دستیابی به اهداف داشته باشد. در این جهت، علاوه بر مجموعه‌سازی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان کانون پیگیری و تأمین موفقیت‌آمیز اهداف ملی ارائه تصویری مطلوب از اهداف ملی است

تا در پرتو آن پیگیری این اهداف به صورت منافع جمعی قلمداد گردد. اتخاذ رویکرد دشمنی و رزانه نسبت به روندها و فرآیند جهانی در شرایط موجود نه تنها منجر به تغییر و دگرگونی آنها نخواهد شد، بلکه کشوری که این گونه رویکردها را مدنظر قرار دهد در معادلات جهانی گوشه‌نشین یا طرد خواهد شد. در این شرایط، کشورهایی که با برخی از روندها مخالف هستند، به جای تقابل، با تعامل فعالانه تلاش می‌کنند در جهت تأثیرگذاری مناسب بر این روندها و فرآیندها امکان بیشتری را برای بهره‌برداری خود از فرصت‌های بین‌المللی فراهم سازند.

در شرایط نوین، کشورهایی که به هر دلیلی تهدید تلقی شده و یا یک تصویر امنیتی از خود بروز می‌دهند، نمی‌توانند اهداف خود را به شیوه‌ای مطلوب در نظام بین‌المللی پیش ببرند. به عبارت دیگر، وضعیت جهانی به گونه‌ای است که به سادگی در برابر چالش‌های مستقیمی که امنیت و اقتصاد جهانی را با خطر مواجه نماید، هم رأی شده و متحد عمل می‌کند. از این رو، در شرایط موجود پیگیری اهداف ملی باید با تصویر غیرامنیتی (فرهنگی، اقتصادی) از خود همراه باشد.

با توجه به اینکه فرآیندهای منطقه‌ای متناسب با نیازهای منطقه‌ای شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند، بنابراین، کناره‌گیری از مشارکت در این فرآیندها به نادیده گرفتن منافع ملی منجر می‌شود. در این شرایط، بهترین اقدام، مشارکت کنش‌ورزانه در شکل‌دهی و جهت‌بخشی به این گونه فرآیندهاست. یکی از متغیرهای اصلی در تعیین میزان تأثیرگذاری یک کشور در گستره سیاست بین‌الملل، درجه همکاری آن کشور در شکل‌دهی و جهت‌دهی به فرآیندهای منطقه‌ای و در سطحی کلان به فرآیندهای جهانی است. این به دلیل آن است که فرآیندهای بین‌المللی تأثیر اساسی بر الگوهای تعامل میان بازیگران عرصه بین‌الملل می‌گذارند. برای تأثیرگذاری در جهت دهی فرآیندهای منطقه‌ای و بین‌المللی تعمیق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب معاهدات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ضرورتی جدی است.

همکاری بین‌المللی در تأمین اهداف ملی از آن رو اهمیت دارد که در وضعیت کنونی، از یک سو اساساً پیگیری این اهداف بدون بهره‌مندی از منابع بین‌المللی، امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، این همکاری سبب کاهش چشمگیر هزینه رسیدن به این اهداف خواهد شد. بر این مبناست که استراتژی سیاست خارجی چشم‌انداز، «تعامل سازنده» انتخاب شده است. این استراتژی مبتنی بر ایجاد «امنیت فراگیر» و ثبات دائمی در سطوح فردی،

اجتماعی و ملی کشور است و سیاست‌های اقتصادی و دفاعی پشتیبان آن خواهند بود و طیفی از همکاری و گونه‌هایی از رویارویی دفاعی و تاکتیکی را در بر می‌گیرد و به سمت توازن بخشی میل می‌کند.

اصلاح نگرش نظام بین‌المللی، تنش زدایی و اعتماد سازی نیز باید تداوم یابد. گفتگوی سازنده با اعتماد سازی در سیاست خارجی سوء برداشت‌ها را مرتفع می‌کند. تنش زدایی فرایند عادی سازی روابط با همه کشورهای است که از نظر جمهوری اسلامی مشروعیت و رسمیت دارند و بر پایه احترام دو سویه با آنان رفتار می‌کنند. هر چند اتخاذ سیاست تنش زدایی به معنی سستی و انفعال و کوتاه آمدن از مواضع اصولی نیست، بلکه بر اساس عقلانیت و منطق است که با اعتماد سازی دوسویه دامنه همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی گسترش می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران با سیاست مستمر تنش زدایی و اعتماد سازی تلاش در جهت اصلاح و بهبود نگرش نظام بین‌الملل بخصوص قدرت‌های بزرگ نسبت به ایران را باید مد نظر قرار دهد و بی‌تردید بدون اعتماد سازی و تنش زدایی نمی‌توان نگرش نظام بین‌الملل را نسبت به ایران تعدیل و اصلاح کرد.

نکته مهم دیگر که در ابعاد مفهوم تعامل مؤثر و سازنده در سند چشم‌انداز نباید از یاد برد، ارائه تعریف عملیاتی و قابل قبول جمعی از نقش‌کانونی کشور در حوزه‌های مهم سیاسی، استراتژیک، اقتصادی و فرهنگی است. برای دستیابی به این هدف، کشور نیازمند ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مکمل و جایگزین شونده، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است. گسترش همکاری‌های چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی، تنش زدایی در روابط با کشورهای غیر متخاصم، اعتماد سازی، تقویت روابط سازنده و مشارکت در قالب پیمان‌ها و معاهدات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و همکاری فعال و نقش‌آفرین در راهبری رژیم‌های بین‌المللی می‌تواند در تحقق اهداف توسعه‌ای سند چشم‌انداز مؤثر باشد. بر اساس اولویت بندی زیر می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعامل سازنده و مؤثر ایران با نظام بین‌الملل در صورت بندی زیر با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی قابل پیگیری است.

۱- کشورهای صنعتی و برخوردار از فن آوری

۲- کشورهای همسایه و برخوردار از مزیت ژئوپلتیک

۳- کشورهای اسلامی غیر همسایه

۴- سازمان های بین المللی

۵- کشورهای جهان سوم از جمله آفریقا ، آمریکای لاتین و جنوب غرب آسیا.

منابع و مأخذ

۱. منابع فارسی

۱. آقا بخشی ، علی و افشاری راد، مینو ، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
۲. بخشایش اردستانی، احمد، (۱۳۸۱)، روابط خارجی ایران با بازیگران مهم نظام بین الملل، تهران، نشر پلکان.
۳. بیلیس، جان و اسمیت ، استیو ، (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست و روابط بین الملل در عصر نوین، تهران ابرار معاصر.
۴. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی ج. ۱. ۱ / فرهنگ گفتمان ریاست جمهوری، تهران، نشر مرکز بررسیهای استراتژیک.
۵. حاجی یوسف، (۱۳۸۳)، ایران و خاورمیانه، گفتارهایی درسیاست خارجی ایران، مرکز بررسی های استراتژیک، تهران، نشر فرهنگ گفتمان.
۶. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۱)، سیاست خارجی و روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی (ره)، معاونت پژوهشی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. دهقانی فیروزآبادی، (۱۳۸۴)، جلال، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران نشر موسسه انتشارات ایران.
۸. رمضانسی، روح‌الله، (۱۳۸۰)، تحلیل بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۹. ستوده، محمد، (۱۳۸۵)، تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم نشر موسسه بوستان کتاب.
۱۰. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۶)، آینده نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران مؤسسه چاپ و انتشارات، وزارت امور خارجه.
۱۱. اکبری، علی رضا، (۱۳۸۷)، تعامل برتر منطقه ای رکن محوری راهبرد سیاست خارجی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه گرا، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک

۱۲. دهقانی فیروز آبادی، (۱۳۸۶)، سید جلال، ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات بنای آینده‌ای مطمئن در آسیای جنوب غربی، تهران.
۱۳. رشنو، نبی‌الله، (۱۳۸۷)، الزامات ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ج‌ا، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۴. سوری، امیر محمد و مجیدی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، اقتصاد اجتماعی و سیاست خارجی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۵. مظاهری، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، تحول در منزلت بین‌المللی ایران در چهار چوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز، تهران.
۱۶. ملکی، عباس، (۱۳۸۷)، سیاست خارجی توسعه‌گرا به مثابه قدرت نرم، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۷. واعظی، محمود، (۱۳۸۷)، راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۸. ازغندی‌علیرضا، (زمستان ۱۳۷۸)، تنش‌زدایی در سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، تهران، سال سیزدهم
۱۹. نقیب‌زاده، حسین، (پائیز ۱۳۷۸) تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، تهران.

Strategies to Achieve Effective & Constructive Interaction of Iran within the International System (Based on perspective plan)

Jahanbakhsh IZADI

PhD in International Relations, Member of Academic Staff,
Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Farzad KHALAFI

MA in International Relations,
Islamic Azad University, Central Tehran Branch

This article endeavors to elucidate and clear up the concepts explicitly propounded in the area of foreign policy within the framework of the 20-year perspective plan, on the one hand, and to provide an optimum strategy which helps materialize the perspective plan objectives in the rough and bumpy arena of the Iran's international relations within the surrounding area, on the other. To this end, the article deals with strategies like axis development, mutual satisfaction, finding strategic allies, attention to the internationally enforced norms, application of diplomatic literature, avoidance of opposition attitudes, deepening and developing regional and international cooperations, modification of international approaches, reinforcing multilateral relations through outlooks mainly centered on national interests in order to follow up the concepts and privileges involved in the 20-year perspective plan. The authors are, however, confident that the privileged position of this upstream plan goes much further as implied by this article in as far as the foreign policy is concerned.

Keywords: 20-year perspective plan, effective interaction, constructive interaction, international relations, convergence